

علامه شبر و روش تفسیری او

منیره زریو

مقدمه

علامه سید عبدالله شبر (ره) از مفسران و محدثان مشهور قرن سیزدهم هجری است که در عراق درخشید. وی آوازه اش بیشتر به خاطر تنوع و فراوانی آثارش در جهان اسلام و تشیع پیچید. او توانست در هنگام نابرابری و فتنه و جور، یک تنه بار سنگین پاسداری از حریم اسلام و تشیع را به دوش کشد و نام خویش را در فهرست خادمان به فرهنگ و معارف اسلامی جاودان گرداند.

نام و نسب

سید عبدالله بن محمد رضا علوی حسینی کاظمی، مشهور به شبر در سال ۱۱۸۸ هجری قمری در شهر نجف اشرف پا به عرصه گیتی نهاد، پس از چندی به همراه پدرش، علامه سید محمد رضا شبر (ره) که خود از عالمان بنام آن سرزمین بود، به کاظمین هجرت کرد و در حوزه علمیه آن دیار به تدریس و تحقیق و تألیف پرداخت و سرآمد اقران خود گردید.

تربیت درست و استعداد کم نظیر و نیز توفیق الهی، از وی مردی فرزانه ساخت و نامش را در بین دانشمندان اسلامی و شیعی جاودان گردانید.

وی هر چند با تألیف آثار گرانبها، درخشش ویژه ای یافته است، ولی با فرزندانی دانشمند برگی زرین بر افتخارات خود افزوده است، بدین گونه: سید حسن (م ۱۲۴۶ ق)، سید محمد

(م ۱۲۵۲ ق)، سید جعفر، سید موسی (م ۱۲۴۶ ق) و سید محمد جواد (م ۱۲۴۶ ق) ۱

سرانجام پس از عمری نه چندان بلند این دانشمند فرزانه در سن ۵۴ سالگی در ماه رجب سال ۱۲۴۲ هجری قمری در شهر کاظمین دار فانی را وداع گفت و در جوار دو

امام معصوم آرמיד . ۲

تالیفات فراوان

بی شک علامه شبر (ره) از شمار کم نظیرترین دانشمندان امامیه است، که در حوزه های گوناگون علوم اسلامی قلمی زده است، به گونه ای که بسیاری از دانش پژوهان از تراوش فکری او بهره های فراوان برده اند و از این روست که به مجلسی ثانی شهرت یافته است. نزدیک به هفتاد عنوان کتاب و رساله که گاهی برخی از آنها ده ها مجلد چاپی خواهد شد، (همچون جامع المعارف و الاحکام که ۱۴ مجلد حجیم، به صورت نسخه خطی است) با توجه به عمر نه چندان بلند این دانشمند، همگی دلالت بر رازی نهفته در فراوانی تألیف وی دارد، هر چند که استعداد کم نظیر، دقت و علاقمندی وی به علوم اسلامی و تربیت صحیح در خانواده ای دانش پرور و بزرگ خود زمینه ساز این مهم بوده است. علامه شبر (ره) خود در این باره چنین می گویند:

فراوانی تألیفات من، به خاطر توجه حضرت امام موسی بن جعفر (ع) است، آنگاه که در خواب حضرت را دیدم، قلمی به من عطا کردند و فرمودند: «بنویس»، از آن هنگام به نگارش همه این آثار ارزشمند موفق شدم، از این رو همه آثار تألیفی من به برکت همین قلم است. ۳

پرهیزکاری و کرامت

بیشتر کسانی که تاکنون درباره علامه شبر (ره) سخن گفته اند، افزون بر مرتبه علمی و دانش فراوان وی، از پارسایی و پرهیزکاری او نیز یاد کرده اند گویند پدرش، سید محمد رضا شبر (ره) در آغاز جوانی او را فراخواند و به او چنین گفت:

اگر از اموالی که به تو می دهم، برای تعلیم و تعلم استفاده نکنی، هر چند یک روز باشد، آن را بر تو حلال نمی کنم.

این سخن چنان در همه دوران حیاتش سرلوحه زندگی او قرار گرفت که در دوران تحصیل و تدریس روزی قلم دان خویش را برای تهیه غذا فروخت، و هنگامی که دوستان او از علت این کار جويا شدند، چنین گفت:

امروز کسالتی داشتم که در پی آن بناچار از مطالعه مستمر ناتوان بودم، لذا دلیلی نیافتم تا در آن روز به خود اجازه دهم که از اموال پدرم چیزی بخورم. ۴

نگاهی گذرا به تفسیر القرآن الکریم (تفسیر وجیز)^۵

این تفسیر به زبان عربی است. متن تفسیر - بدون در نظر گرفتن چاپ‌های گوناگون - با مقدمه‌ای کوتاه (یک صفحه‌ای) مفسر آغاز می‌شود. در این مقدمه، مفسر به اینکه تفسیر وجیز بوده و در بردارنده نکته‌های ادبی آیات است اشاره کرده است.

پس از مقدمه، ۱۱۴ سوره قرآن به صورت ترتیبی آورده شده و در لابلای آیه‌ها و جمله‌های قرآنی، نکته‌ها و عبارات‌های تفسیری به صورت مزجی بیان شده است. به گونه‌ای که جدا کردن جمله‌های تفسیری از متن آیه دشوار و در برخی موارد در صورت نبودن نشانه‌های ویرایشی و چاپی ممکن نیست.

در آغاز هر سوره با چند کلمه و گاهی چند جمله، مکی و مدنی بودن سوره، شمارش آیات سوره و گاهی نیز نام‌های دیگر سوره را آورده است. روش علامه شبّر در این تفسیر ادبی است، یعنی به شرح واژه‌ها و اعراب کلمه‌ها و جمله‌ها بسیار توجه کرده است، و گاهی نیز نکته‌های بلاغی آیات را یادآور شده است. وی در کنار این روش ادبی از روایات معصومان (ع) و گفته‌های صحابه و تابعان هم سود جسته است. هر چند در جاهای بسیاری از این تفسیر، روایات و منقولات به صورت یک عبارت تفسیری آورده شده که تشخیص و تعیین همه آنها کاری بس دشوار است.

میانگین طول متوسط شرح هر آیه در این تفسیر، تقریباً دو برابر یا کمی بیش از دو برابر همان آیه است. در شرح آیه‌های تکراری به توضیح یک مورد بسنده کرده و در موارد دیگر به آن ارجاع داده و یا بدون توضیح رها کرده است. هر چند این تفسیر وجیز است و مفسر در طرح نکته‌های تفسیری دچار محدودیت است ولی از طرح نکته‌های فقهی و کلامی آیات نیز غافل نبوده و در جای جای تفسیر نکته‌های این آیات را روشن ساخته است، و مباحث علوم قرآنی نیز اندک است.

مآخذ و منابع اصلی تدوین این تفسیر، تفسیر کبیر و وسیط مفسر و تفسیر صافی فیض کاشانی است که ۹۰ درصد عبارت تفسیری عیناً همان عبارات تفسیر صافی می‌باشد که ممکن است در صفوة التفاسیر و الجوهر الثمین بدین گونه وجود نداشته باشد. پس می‌توان گفت که تفسیر صافی از مآخذ مهم تفسیر وجیز بوده است. گرچه به ندرت از این تفسیر نام برده شده، لکن با مقابله و مقایسه به خوبی روشن می‌گردد که مفسر از تفسیر صافی بهره فراوان برده است.

جایگاه این تفسیر نیز در بین دیگر تفاسیر وجیز قرآن بسیار ممتاز است، به گونه‌ای که

می توان آن را یکی از بهترین تفاسیر وجیز دانست .

کاستی های چاپ های گوناگون تفسیر وجیز

۱. در پاورقی های هیچ یک از چاپ های تفسیر وجیز کلمه هایی که در نسخه های خطی این تفسیر به صورت متفاوت آمده (نسخه بدل) آورده نشده است .
۲. واژه های مشکل در این تفسیر ، در چاپ های گوناگون ، با حرکت و اعراب آورده نشده است ، تا خواننده را کمی در مطالعه یاری رساند و فقط در برخی از چاپ ها به ندرت بر روی برخی از کلمه ها و واژه ها حرکت و اعراب گذاشته شده است .
۳. در پاورقی همه چاپ های این تفسیر ، به صورت گسترده ، اختلاف قرائت کلمه و آیه آورده شده است ، و به ندرت نکته های دیگری نیز به چشم می خورد .
۴. مآخذی که در متن تفسیر ، گاهی مفسر به آن اشاره کرده و یا مآخذی که مفسر از آنها بهره برده ، اشاره نکرده است ، در هیچ یک از چاپ ها ، در مقدمه و در پاورقی ، به آنها و ویژگی هایشان اشاره نشده است .
۵. اصطلاحات ، مذاهب ، مکان ها ، قبائل ، اعلام و... که نیاز به توضیح کوتاهی داشته ، در هیچ یک از چاپ ها ، در پاورقی به آنها اشاره نشده است .
۶. در هیچ یک از چاپ ها به جز چاپ انتشارات اسوه ، تفسیر آیه ها با شماره گذاری مشخص نشده است . از این روی برای یافتن تفسیر یک آیه ، خواننده کمی سرگردان می شود .
۷. چاپ نخست این تفسیر ، با توجه به اینکه سال ها پیش انجام پذیرفته است (۱۳۱۴ ش) ، با معیارهای فنی چاپ آن هنگام سازگار و مناسب است و نیز چاپ انتشارات اسوه ، خواندنی و چشم نواز است ، ولی چاپ دوم آن که بارها افست گردیده و به صورت گسترده نیز در دسترس است ، ملال آور است و به هیچ وجه با معیارهای امروزی صنعت چاپ و نشر سازگار نیست .

مبنا و روش ادبی در تفسیر وجیز

بیشتر تفاسیر وجیز دارای روش ادبی است ؛ زیرا مفسر بناچار باید در جمله هایی کوتاه ، به شرح آیه ها و جمله های قرآنی پردازد ، از این رو لازم است به توضیح لغت و شرح واژه ها و ترکیب های آیه بسنده کند هر چند برخی از تفاسیر وجیز افزون بر روش ادبی ، از روایات تفسیری نیز سود جستند ؛ لذا به روش روایی نیز نام بردارند .

تفسیر وجیز علامه شبر که سومین تفسیر وی است دارای روش ادبی بارزی است، به گونه‌ای که تفسیر هیچ آیه‌ای از آن خالی از این روش نیست، بیشتر جلوه و روش ادبی این تفسیر به ترتیب در شرح واژه‌ها (واژه‌شناسی) نحو (اعراب کلمه‌ها) و بلاغت آیه‌هاست.

جایگاه لغت (تفسیر واژه‌ها) در تفسیر وجیز

در حوزه واژه‌شناسی قرآن، دانش‌هایی همچون: مفردات قرآن، غریب القرآن، وجوه و نظائر^۶... جای می‌گیرد. از این رو هر کدام از این دانش‌ها از زاویه و منظری خاص به واژه‌های قرآنی پرداخته‌اند.

سرتاسر تفسیر وجیز علامه شبر (ره) پر از تفسیر و شرح واژه‌ها در قالب این دانش‌هاست؛ یعنی گاه شرح واژه‌ها را آورده و گاه معنای مستعمل آن را با توجه به سیاق آیه آورده است (وجوه)؛ مانند:

تبارک = تعالی او تکاثر خیر (ملک: ۱) لَمَّا سَمِعُوا ذَكَرَ = القرآن (قلم: ۵۱)

لیلوکم = لیختبرکم (ملک: ۲) فاعترفوا بذنبهم = بکفرهم (ملک: ۱۱)

احسن عملاً = اخلصه (ملک: ۲)

در شرح واژه‌ها به اختصار گویی بسنده کرده و به ندرت مواردی را می‌توان یافت که به تفصیل درباره یک واژه سخن گفته باشد.

شرح و توضیح عبارات

پس از شرح و تفسیر واژه‌ها در این تفسیر، شرح و توضیح جمله‌ها و عبارات‌های قرآنی نیز شایان توجه است، به گونه‌ای که آیه‌ای را نمی‌توان یافت که خالی از این روش باشد، مثلاً با ذکر مرجع ضمیر، مشار الیه اسم اشاره، بیان علت جمله و آیه، ذکر متعلق و جار و مجرور، تعیین مصداق آیه، ذکر فاعل و مفعول فعل و...، به تفسیر و توضیح و شرح آیه پرداخته است:

۱. تعیین مرجع ضمیر: در تفسیر وجیز گاهی در تفسیر و توضیح ضمیری که در قرآن به کار رفته است، به تعیین مرجع ضمیر آن بسنده شده، و یا پس از تعیین آنها، نکته‌های تفسیری دیگری را نیز یادآور شده است؛ از این رو در سرتاسر تفسیر، این مورد به عنوان یک قالب و شکل یکسان برای تفسیر و برخی دیگر از تفاسیر مزجی شمرده می‌شود، برای نمونه به چند مورد از مرجع ضمیر اشاره می‌کنیم:

انهم یرونها = ای العذاب او یوم القيامة (معارج: ۶)

من احد عنه = عن الرسول او القتل (حاقه : ۴۷)

لو تقول علينا = محمد (حاقه : ۴۴)

۲. چند نمونه از مشارالیه اسم اشاره :

ان هذا = الثواب (انسان : ۲۲)

ان هذه = السوره (انسان : ۲۹)

ان هذه = الآيات المخوفه (مزمل : ۱۹)

۳. یادآوری علت حکم آیه : گاهی عبارت تفسیری برای یک جمله از قرآن ، فقط یاد کردن

از علت حکم آن جمله است ، که به راه های گوناگون بیان می گردد ؛ مثلاً بافاء سببیت ، با لام

علت ، با آوردن مفعول له و... ، این نمونه ها در این تفسیر نسبت به موارد دیگر اندک است

ولی یادآوری آن سودمند است ، از این رو فقط به ذکر چند نمونه بسنده می کنیم :

فاصبر لحکم ربک = تبلیغ رسالته وتحمل اذی قومک (انسان : ۲۴)

يجعل الوالدان شیئاً = لشدۀ هولۀ (مزمل : ۱۷)

سمیعاً بصیراً = لیسمع الآيات و يبصر الدلائل (انسان : ۲)

۴. یادآوری جار و مجرور : یکی دیگر از شکل ها و قالب های عبارت ها و جمله های

تفسیری وجیز ، آوردن جار و مجرور برای فعل و یا شبه فعل در آیه است ، هر چند شمار

بسیار زیادی از جمله های تفسیری (هزاران جمله) به شکل جار و مجرور آمده است ، ولی

مراد ما همه این گونه موارد نیست ، بلکه جمله تفسیری دارای جار و مجرور است که برای

شرح آیه و به عنوان متعلق برای فعل یا شبه فعل موجود در آیه آورده شده باشد ، که البته این

نوع نیز فراوان است ، اینک برای نمونه می آوریم :

ویل یومئذ للمکذبین = بآیاتنا (مرسلات : ۱۹)

کلوا و اشربوا هنیئاً بما کنتم تعملون = من الحسنات (مرسلات : ۴۳)

استکبر = عن اتباع النبی (مدثر : ۲۳)

۵. تعیین مصداق آیه : گاهی برخی از جمله ها و عبارت های تفسیری به تعیین مصداق آیه

اختصاص دارد ، این موارد نسبت به حجم جمله های تفسیری اندک است ولی درصدی از

حجم تفسیر را تشکیل می دهد ، برای نمونه چند مورد را یادآور می شویم :

ان اصحاب الیمین = قال الباقر (ع) : هم نحن و شیعتنا (مدثر : ۳۹)

الآخرین = ممن کذبوا = کفار مکه (مرسلات : ۱۷)

ان الابرار = المراد بهم علی (ع) و فاطمه (س) و ابناءهم (ع) (انسان: ۵)

جایگاه علم نحو در تفسیر وجیز

علم نحو، دانش تعیین اعراب واژه‌ها و جمله‌ها در زبان عربی است و از نقش کلمه‌ها و جمله‌ها در یک متن سخن می‌گوید. پس از شرح واژه‌ها و توضیح جمله‌های قرآنی در تفسیر وجیز علامه شبر (ره)، جایگاه نحو و تعیین و تبیین نقش واژه‌های قرآنی، شایان توجه است، هر چند در این تفسیر درباره همه یا بسیاری از کلمات قرآن، از این منظر، سخن نگفته است ولی آنچه را که بیان داشته استوار و مبین است، مفسر در این باره غالباً با جمله یا جمله‌هایی کوتاه نقش کلمه‌ها و جمله‌ها را بیان می‌دارد و بیشتر دیدگاه مشهور را در این باره تبیین می‌کند، برای نمونه چند مورد را یادآور می‌شویم:

ولا تمنن تستكثر = بالرفع حال (مدثر: ۶)

نذیراً للبشر = تمییز (مدثر: ۲۶)

ام من = مبتدا، هذه = خبر، الذی = صفة هذا (ملک: ۲۰)

جایگاه بلاغت در تفسیر وجیز

علوم بلاغت شامل سه علم معانی، بیان و بدیع است سرتاسر قرآن کریم نهفته از نکته‌های فراوان بلاغی است، که عموماً بیشتر کتاب‌های بلاغت از آیات قرآن برای تبیین قواعد بلاغی سود جسته‌اند. تفاسیر ادبی قرآن کریم - به فراخور توان و استعداد آنها - به نکته‌های بلاغی قرآن پرداخته‌اند. برخی، چنان مباحث بلاغی آیات را آورده‌اند (که فقط جمع آوری آنها خود یک کتاب گسترده خواهد شد، همچون تفسیر المنیر و هبه زحیلی) و برخی دیگر در حجم کم‌تری به این بحث پرداخته‌اند مانند تفسیر وجیز علامه شبر (ره)، از این رو طرح نکته‌های بلاغی آیات در این تفسیر فراگیر و فراوان نیست و عموم مباحث بلاغی آیات را نیز در بر نمی‌گیرد. ولی در مواردی که این نکته‌ها تبیین شده است اختصار و دقت در آنها رعایت گردیده است، در اینجا به یادآوری چند نمونه بسنده می‌کنیم:

جمع الشمس و القمر = و التذکیر لتغلیب القمر (قیامت: ۹)

بل الانسان علی نفسه بصیرة = و الهاء للمبالغه (قیامت: ۱۴)

عذاباً الیماً = تنکیر الکل للتعظیم (مزل: ۱۳)

جایگاه روایات در تفسیر وجیز

در تفسیر وجیز به خاطر اختصار و اکتفا به نکته های ضروری، آن گستردگی چندانی در نقل روایات وجود ندارد هر چند شمار بسیار فراوانی از روایات تفسیری به صورت یک عبارت تفسیری و بدون ذکر راوی و گوینده حدیث به چشم می خورد. این جمله های تفسیری - که در اصل روایت و نقل هستند - عموماً در ذیل آیه های مرتبط با قصص قرآن و یا اسباب نزول آیه ها آمده است. تشخیص این دسته از جمله های تفسیری - روایی - مشکل، و در برخی موارد ناممکن است، از این رو با شمارش این دسته از جمله های تفسیری به عنوان روایت و نقل می توان گفت که تفسیر وجیز پس از روش ادبی، از روش روایی نیز در تفسیر آیات سود جسته است، که نمونه هایی را بیان می کنیم:

يثابك فظهر=فقصر فانه القى و اتقى و اتقى كما عن على (ع)(مدثر: ۴)

و الذين فى اموالهم حق معلوم=هو الزكاة المفروضة، و عن الصادق (ع): انه الصدقه المندوبه (معارج: ۲۴)

انه كان رجال من الانس يعوذون برجال من الجن=كان الرجل اذا امسى بقفر يقول اعوذ بسيد هذا الوادى من شر سفهائه (جن: ۶)

جایگاه کلام در تفسیر وجیز

علامه شبیر (ره) گرایش ویژه ای به طرح مباحث کلامی و دفاع از عقاید اسلامی در تفاسیر خود دارد. از این رو به تناسب آیات در جای جای تفاسیر خود به این مهم توجه کرده است. طرح مباحث کلامی و یا طرح نکته های کلامی آیات در تفسیر وجیز دارای ویژگی خاصی است؛ زیرا تفسیر وجیز به خاطر حجم اندکش، گستردگی آرای کلامی و نکته های سزاوار این موضوع را بر نمی تابد و از این رو مفسر با توجه به این ویژگی و ساختار تفسیر فقط برخی از این نکته ها را یادآور شده است.

آرای کلامی مفسر، بیشتر همان دیدگاه متکلمان امامیه است؛ یعنی درباره برخی از ویژگی های کلامی شیعه مانند امامت، رجعت، تقیه، به دفاع شایسته از آنها پرداخته و در ذیل آیات مرتبط با این مباحث، جایگاه واقعی و حقیقی آنها را بیان داشته است.^۷

درباره مباحث دیگر کلامی مانند: توحید، اسماء الحسنی، متشابهات، نبوت، عصمت پیامبران، معاد و ویژگی های آن، دیدگاه درست و مشهور را تبیین ساخته است، ولی به علت

اختصار این تفسیر، همه ویژگی‌های این مباحث مطرح نشده است، اکنون برخی آیات متشابه اعتقادی را یادآور می‌شویم:

الی ربها ناظره=الی رحمته، او انعامه(قیامت: ۲۳)

الی ربک = ای الی حکمه(قیامت: ۳۰)

جایگاه فقه در تفسیر وجیز

نکته‌های فقهی، کوتاه و به شکل دیدگاه‌های فقهای امامیه آورده شده و گاهی برخی از نکته‌های فقهی را به شکل روایت بازگو کرده است و عموماً دیدگاه فقهی وی دیدگاه مشهور امامیه می‌باشد، در بیشتر یا همه آیات الاحکام، نکته‌های فقهی را در لابلائی تفسیر آیات و نه به صورت جداگانه یادآور شده است:

لم نک نظم المسکین=ما فرض له و یفیدان الکفار مخاطبون بالفروع(مدثر: ۴۴)

أقیموا الصلاة = الواجبه(مزمّل: ۲۰)

آتوا الزکاة = المفروضه(مزمّل: ۲۰)

جایگاه علوم قرآنی در تفسیر وجیز

طرح سه بحث از مباحث علوم قرآنی را فراتر و بیشتر از دیگر مباحث می‌بینیم بدین گونه: مکی و مدنی، اسباب نزول، قرائات، هر یک از این مباحث کوتاه و بدون بحث‌های مقدماتی - که عموماً در کتاب‌های علوم قرآنی دیده می‌شود - آورده شده، و فقط درباره نمونه‌های قرآنی آن سخن گفته شده است.

و حال گزارش کوتاهی درباره هر یک از آنها را یادآور می‌شویم:

۱. مکی و مدنی

در آغاز هر سوره از قرآن - بسیار کوتاه و مختصر و گاهی با یک کلمه - به مکی و مدنی بودن سوره اشاره کرده است در مواردی نیز اگر سوره مکی، دارای آیات مدنی یا به عکس بوده است یادآور شده است:

سورة الملک : ثلاثون آیه ، مکية

سورة القلم : اثنتان و خمسون آیه مکية کلها او بعضها

سورة النور : ثمان أو تسع و عشرون أو ثلاثون آیه مکية

۲. اسباب نزول: تفسیر وجیز درباره شمار بسیاری از آیات که دارای سبب نزول هستند، به اختصار نکته‌هایی آورده است. عموماً سبب نزول در این تفسیر به صورت عبارت تفسیری به نقل یک روایت کوتاه و موجز بدون پذیرش یا رد آن یا جرح و تعدیل آن، در لابلای آیات به چشم می‌خورد.

بل یرید کل امرء متهمان یؤتی صحفاً منشره = اذ قالوا للنبی (ص): لن نؤمن لک حتی تنزل علینا کتاباً من السماء (مدثر: ۵۲)

۳. قرائات: معتبرترین و مشهورترین قرائات قرآن کریم، قرائت عاصم به روایت حفص است. علامه شبّر نیز قرآن را با همین قرائت تفسیر کرده است ولی گاهی در لابلای جمله‌های تفسیری به اختلاف قرائت قاریان سبعة و دیگران و حتی قرائت معصومان (ع) اشاره کرده است.

یادآوری قرائت‌های گوناگون قاریان در این تفسیر، کوتاه و گذرا است و به مصدر نقل آن‌ها و در بیشتر موارد به سند قرائت و گوینده آن نمی‌پردازد و گاهی فقط با یک کلمه چگونگی قرائت دیگری را بیان می‌کند.

و لا تذرین ودا=با فتح و ضم (نوح: ۲۳)

من ثلثی اللیل=به ضم الام و اسکانها(مزمّل: ۲۰)

کانهم الی نصب=به فتح النون و اسکان الصاد و قرء بضمها(معارض: ۴۳)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. شبّر، تفسیر وجیز، رساله محمد بن معصوم/۳۳، چاپ دوم.

۲. شبّر، اخلاق، مقدمه رساله سید محمد بن معصوم، ص «ال» و «م».

۳. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ۲/۱۳۷.

۴. شبّر، الاخلاق(بنیادهای اخلاقی اسلامی)، ترجمه حسین بهجو، ۱/۲۲.

۵. وجیز نویسی در تفسیر سابقه‌ای بس کهن دارد. برخی از مفسران تفسیری با حجم کم(دو یا سه برابر حجم قرآن) نوشتند که به تفسیر وجیز شهرت یافته است و برخی دیگر سه تفسیر کبیر، وسیط و وجیز بر قرآن نوشته‌اند؛ مانند شیخ طبرسی و فیض کاشانی و علامه شبّر.

۶. وجوه و نظائر درباره واژه‌هایی از قرآن بحث می‌کند که در جاهای گوناگون قرآن به یک شکل به کار رفته است ولی دارای مفاهیم متعددی است؛ مانند واژه هدایت و مشتقات آن که در سرتاسر قرآن دارای یک مفهوم و معنا نیست بلکه تا نزدیک به بیست مفهوم برای آن شمارش کرده‌اند. برای اطلاع بیشتر ر. ک: سیوطی، الاتقان، ۱/۲۸۴.

۷. ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۲/۱۸۱-۱۸۳ و ۱۸۹-۱۹۱.